

## An Examination of the Efficiency Indicators of the Political System of the Islamic Republic of Iran in the Realm of Political Stability

Tahereh Kanani<sup>1</sup>, Masoud Moeinipour<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Ph.D. Candidate, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. [kanani.tahere@gmail.com](mailto:kanani.tahere@gmail.com)

<sup>2</sup> Assistant Professor, Baqir al-Olum University; and Member of the Association of Political Studies of the Seminary, Qom, Iran (*Corresponding author*). [masood.moeini@gmail.com](mailto:masood.moeini@gmail.com)

### Abstract

This research aims to examine the efficiency indicators of the Islamic Republic of Iran's political system in the realm of political stability, by exploring the thoughts of Imam Khomeini as the founder of the Islamic Revolution of Iran, the Supreme Leader, and the Constitution, which reflect the approach of the Islamic Republic in governing society, using Ted Robert Gurr's theory of relative deprivation. The research method is descriptive-analytical, and the results indicate that although the Islamic Republic system, based on the principles of Islam and the thoughts of Imam Khomeini and the Supreme Leader, emphasizes justice, social welfare, freedom, political participation, and security as the most important efficiency indicators, signs of inefficiency and public dissatisfaction emerged, especially during the late 1990s. The sense of relative deprivation is the main cause of public dissatisfaction, and the only way to prevent public protests and establish political stability and system efficiency is to increase public satisfaction. This sense of deprivation can stem from various factors such as lack of social welfare, political participation, security, freedom, and similar issues. In the political school of Imam Khomeini and the Supreme Leader, the will of the people is decisive. They have always emphasized creating justice, freedom, security, social welfare in accordance with the dignity of individuals, facilitating political participation, eliminating discrimination, and accepting criticism as government duties. In this regard, Imam Khomeini's goal was not merely to fight the monarchical system and establish an Islamic government but to use government as a means to implement Islamic laws and solve people's problems, which consequently leads to public satisfaction.

**Keywords:** Efficiency, Political stability, Public satisfaction, Islamic Republic of Iran, Relative deprivation theory, Ted Robert Gurr, Imam Khomeini, Ayatollah Khamenei.

---

Received: 2022-08-14 ; Received in revised form: 2022-09-07 ; Accepted: 2022-09-30 ; Published online: 2023-12-21

<https://doi.org/10.22034/SM.2024.555107.1922>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



## بررسی شاخص‌های کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه ثبات سیاسی

طاهره کنعانی<sup>۱</sup>، مسعود معینی‌پور<sup>۲</sup> 

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. kanani.tahere@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار، دانشگاه باقرالعلوم (ع)؛ و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران (نویسنده مسئول).

masood.moeini@gmail.com

### چکیده

پژوهش حاضر درصدد است با واکاوی اندیشه امام خمینی به عنوان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، مقام معظم رهبری و قانون اساسی که نشان‌دهنده رویکرد نظام جمهوری اسلامی در اداره جامعه است، و با استفاده از نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر<sup>۳</sup>، شاخصه‌های کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران (به ویژه در دهه ۹۰) در عرصه ثبات سیاسی را مورد بررسی قرار دهد. روش پژوهش توصیفی تحلیلی است و نتایج نشان داد که هرچند نظام جمهوری اسلامی، مبتنی بر مبانی اسلام و اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری بوده، و در آن، شاخصه‌های عدالت، رفاه اجتماعی، آزادی، مشارکت سیاسی و امنیت، به عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های کارآمدی همواره مورد تأکید است؛ ولی در مرحله عمل با توجه به بی‌ثباتی‌های اواخر دهه ۹۰، نشانه‌هایی از ضعف کارآمدی و نارضایتی مردم وجود دارد. احساس محرومیت نسبی مهم‌ترین عامل نارضایتی مردم بوده و تنها راه جلوگیری از اعتراضات مردم برقراری ثبات سیاسی و کارآمدی نظام، افزایش رضایت‌مندی عمومی است. این احساس محرومیت می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی چون فقدان رفاه اجتماعی، عدم مشارکت سیاسی، عدم امنیت، آزادی و نظایر آن باشد. در مکتب سیاسی امام خمینی و مقام معظم رهبری، خواست مردم تعیین‌کننده است. آنان همواره بر ایجاد عدالت، آزادی، امنیت، رفاه اجتماعی متناسب با شأن انسانی افراد جامعه، فراهم کردن زمینه مشارکت سیاسی مردم، عدم تبعیض و پذیرش انتقاد به عنوان وظایف دولت تأکید کرده‌اند. در همین راستا، هدف امام خمینی صرفاً مبارزه با نظام شاهنشاهی و برقراری حکومت اسلامی نبود، بلکه تشکیل حکومت وسیله است و هدف از برپایی آن، اجرای احکام اسلامی و حل مشکلات مردم است که به تبع، موجب رضایت‌مندی مردم خواهد شد.

**واژه‌های کلیدی:** کارآمدی، ثبات سیاسی، رضایت‌مندی عمومی، جمهوری اسلامی ایران، نظریه محرومیت نسبی، تد رابرت گر، امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای.

استناد به این مقاله: کنعانی، طاهره؛ معینی‌پور، مسعود (۱۴۰۲). بررسی شاخص‌های کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه ثبات

سیاسی. *سیاست متعالیه*، ۱۱(۴): ۲۳۵-۲۵۲. <https://doi.org/10.22034/SM.2024.555107.1922>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

<http://sm.psas.ir>

© نویسندگان

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه

2. Ted Robert Gurr



## ۱. مقدمه

موضوع کارآمدی به علت ارتباط و پیوند با ثبات سیاسی، همواره یکی از موضوعات مهم در مباحث علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی بوده است. همه نظام‌های سیاسی مهم‌ترین هدف و کارویژه خود را افزایش کارآمدی و ثبات سیاسی می‌دانند. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و به دنبال دستیابی و پیشینه کردن این هدف است، تا با کسب افزایش رضایت‌مندی عمومی، ثبات و دوام خویش را تضمین نماید. مسلم است، برای افزایش کارآمدی و ثبات سیاسی در نظام سیاسی یک عزم عمومی و فراگیر لازم است.

پژوهش حاضر درصدد است با واکاوی اندیشه امام خمینی به عنوان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، مقام معظم رهبری و قانون اساسی که نشان‌دهنده رویکرد نظام جمهوری اسلامی در اداره جامعه است، و با استفاده از نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر<sup>۱</sup>، شاخصه‌های کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه ثبات سیاسی را مورد بررسی قرار دهد. کارآمدی در این پژوهش توانایی دستیابی به رضایت‌مندی مردم به عنوان پایه و عنصر اصلی حیات نظام سیاسی، تلقی شده است. همچنین در این تحقیق تلاش می‌شود وضعیت شاخصه‌های کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی (به ویژه در دهه ۹۰) در عرصه ثبات سیاسی بررسی شود. پژوهش بر این فرضیه استوار است که هرچند نظام جمهوری اسلامی، مبتنی بر مبانی اسلام و رهبری امام خمینی و مقام معظم رهبری بوده، و در آن، شاخصه‌های عدالت، رفاه اجتماعی، آزادی، مشارکت سیاسی و امنیت، به عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های کارآمدی همواره مورد تأکید بوده است؛ ولی در مرحله عمل با توجه به بی‌ثباتی‌های اواخر دهه ۹۰، نشانه‌هایی از ضعف کارآمدی و نارضایتی مردم دارد. در ادامه، با توجه به نظریه محرومیت نسبی، به بررسی شاخصه‌های کارآمدی نظام جمهوری اسلامی در عرصه ثبات سیاسی و ارزیابی وضعیت عملکرد نظام به ویژه در دهه ۹۰ پرداخته می‌شود.

## ۲. بررسی مفاهیم

### ۱-۲. مفهوم کارآمدی

در فرهنگ علوم سیاسی، «کارآمدی<sup>۲</sup>» در لغت به «اثر بخشی، نفوذ، کفایت، مقبولیت و رضایت» معنا شده، و در اصطلاح به معنای «قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص» است

1. Ted Robert Gurr

2. Effectiveness

(آقابخشی، ۱۳۷۹: ص ۴۴۶). کارآمدی از نظر سیمور لیپست<sup>۱</sup> زمانی رخ می‌دهد که سیستم در تحقق عینی کارکردهای خود موفق باشد؛ به گونه‌ای که اکثریت گروه‌های قدرتمند درون نظام و مردم، آن را درک و بیان کنند (لیپست، ۱۳۷۴: ص ۲۲۶). عبدالحمید ابوالحمد معتقد است، نظام سیاسی زمانی کارایی دارد که توانایی لازم برای انجام کارویژه‌ها و وظایفی که اکثریت مردم توقع دارند را داشته باشد (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ص ۲۴۷).

در مبحث کارآمدی سه نکته حائز اهمیت است؛ اول، کارآمدی یا ناکارآمدی بخشی از نظام مورد بررسی، به معنای کارآمدی یا ناکارآمدی همه آن نظام نیست؛ دوم، کارآمدی نسبی است؛ بدین معنا که هر پدیده‌ای امکانات، اهداف و موانع خاص خود را دارد، سوم، اهداف، امکانات و موانع پیش روی یک نظام در مراحل مختلف جایگزینی، استقرار و تثبیت نظام متفاوت است و کارآمدی در هر مرحله باید به صورت مجزا بررسی شود (فتحعلی، ۱۳۸۳: ص ۱۰۳). در مورد مفهوم کارآمدی، دیدگاه‌ها و نظریات متفاوتی وجود دارد و معمولاً اجماع نظر وجود ندارد. نظریه‌های مختلفی چون نظریه توفیق، نظریه تکلیف‌گرا، نظریه نسبیت، نظریه تنوری ذاتی عمل، نظریه رضایتمندی (لاریجانی، ۱۳۷۳: ص ۵۱). در این پژوهش نظریه مختار، نظریه رضایتمندی است. طبق این نظریه، چون مردم مهم‌ترین عنصر حیات و بقای حکومت هستند، حکومت زمانی کارآمد است که عناصر مؤثر در حیات و بقای خود را راضی نگه دارد.

علت انتخاب این نظریه آن است که در نظریه رضایتمندی، توانایی نظام سیاسی در راستای کسب رضایتمندی مردم جامعه، به عنوان عنصر اصلی حیات و بقای نظام سیاسی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، هرچه نظام سیاسی بتواند بیشتر رضایت مردم و شهروندان خود را کسب کند، کارآمدتر خواهد بود و دوام و ثبات بیشتر خواهد داشت. در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز، امام خمینی همواره بر نقش مردم، خواست و رضایت مردم تأکید داشتند و وظیفه حکومت اسلامی را خدمت به مردم می‌دانستند. ایشان همواره به جلب رضایت مردم به مسئولین سفارش می‌کردند؛ تاحدی که این کار را سنت رسول الله (ص) می‌دانستند و بیان می‌داشتند که: «جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. رسول اکرم (ص) دنبال جلب نظر مردم بود، شما هم به دنبال این معنا باشید» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۱۷، ص ۲۵۰). از نظر ایشان رضایت خدا در رضایت مردم است و باید در راستای جلب رضایت مردم تلاش کرد: «همه چیز در رضای خداست و آن با رضایت مخلوق خدا به دست می‌آید؛ باید کاری کنید که رضایت مردم جلب شود،

1. Seymour Lipsett

رضایت خدا هم در آن هست» (همان: ج ۸، ص ۱۲۵). مقام معظم رهبری همواره مسئولین را متوجه اهمیت پشتیبانی مردم کرده و بیان می‌دارند که: «بدون مشارکت مردم سازندگی محقق نخواهد شد. مردم با عزم راسخ می‌توانند کارها را به درستی پیش ببرند. مسئولین به پشتیبانی مردم احتیاج دارند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۹). بنابراین، یکی از دغدغه‌های مسئولین نظام، تأمین رضایت مردم است. یکی از علت‌های سرنگونی حکومت پهلوی، نارضایتی مردم بود، تا آن حد که موجب شد، مردم ناراضی متحد شوند و حکومت پهلوی را سرنگونی کنند. لذا، برای یک نظام سیاسی آنچه می‌تواند کارآمدی محسوب شود، جلب رضایت عموم مردم در تمام ابعاد است. هرچه مردم از نظام رضایت‌مندی بیشتر داشته باشند، نشان‌دهنده کارآمدی و ثبات سیاسی بیشتر نظام است.

## ۲-۲. ثبات سیاسی

در فرهنگ علوم سیاسی، «ثبات سیاسی»<sup>۱</sup> به معنای محفوظ بودن یک نظام از تهدید براندازی داخلی از طریق شورش یا انقلاب است (آقابخشی، ۱۳۷۹: ص ۴۲۵). از نظردیوید ساندرز<sup>۲</sup> ثبات به معنی عدم وقوع حوادث یا اقدامات بی‌ثبات‌کننده چون شورش، تظاهرات، کودتا، مرگ در اثر خشونت داخلی و غیره است (ساندرز، ۱۳۸۰: ص ۷۴). از نظر هورویتز<sup>۳</sup>، جامعه‌ای باثبات است که از راه‌ها و روش‌های مسالمت‌آمیز و قانونی برای حل و فصل امور و مشکلات استفاده کند و از روش‌های خشونت‌آمیز پرهیز نماید. از نظر او ثبات سیاسی یعنی «عدم وجود خشونت، عدم وجود تغییرات ساختاری، تداوم حکومت، مشروعیت و کارآمدی نظام» (Hurwitz, 1973: p. 446). فایرابند<sup>۴</sup> معتقد است، معیار سنجش ثبات یا بی‌ثباتی، رفتارهای تهاجمی است، و هرچه افراد، گروه‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی بیشتر باشد، نشان‌دهنده بی‌ثباتی سیاسی است (فایرابند و فایرابند، ۱۳۷۹: ص ۷۷). بر این اساس می‌توان گفت، ثبات سیاسی به معنای عدم وجود خشونت، تهدید براندازی، عدم تغییر در ساختارهای سیاسی و تداوم حکومت است.

## ۳. چارچوب نظری

در این پژوهش برای درک بهتر موضوع از نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر استفاده شده است. گر

1. Political stability
2. David Saunders
3. Hurwitz
4. Feyerabend

فاصله و شکاف تصویری بین انتظارات ارزشی<sup>۱</sup> و توانایی‌های ارزشی<sup>۲</sup> را محرومیت نسبی می‌نامد. در این تعریف، انتظارات ارزشی کلیه خواسته‌ها، شرایط و کالاهایی را شامل می‌شود که مردم خود را مستحق آنها می‌دانند؛ به عنوان مثال عدالت، آزادی، رفاه اجتماعی و غیره، و توانایی‌های ارزشی به معنی شرایط و کالاهایی است که مردم تصور می‌کنند، در صورت داشتن آنها می‌توانند به آنچه خود را مستحق آن می‌دانند، دست یابند. تد معتقد است که هرچه این شکاف و فاصله بیشتر باشد، احتمال شدت محرومیت بیشتر است (Gurr, 1971: p.36).

رابرت گر عواملی که باعث ایجاد احساس محرومیت نسبی می‌شود را به کوتاه مدت و بلند مدت تفکیک می‌کند (استوکر و مارش، ۱۳۷۸: ص ۱۲۴):

♦ **محرومیت‌های کوتاه مدت:** شامل مشکلات معیشتی، بیکاری، تورم، نرخ منفی رشد تولید ناخالص ملی و غیره است؛

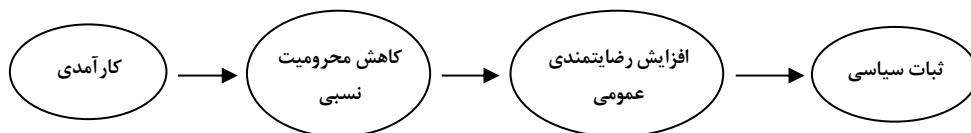
♦ **محرومیت‌های بلندمدت:** شامل شکاف‌های قومی و مذهبی، سیاست‌های تبعیض‌آمیز اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آموزشی، فرهنگی، عدم توجه به عزت ملی در عرصه بین‌المللی ناشی از سیاست خارجی غلط و غیره است.

به عقیده رابرت گر، در صورت وجود شکاف و فاصله بین انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی، احساس محرومیت نسبی در مردم موجب نارضایتی آنان می‌گردد و این نارضایتی به شکل کنش‌های جمعی خشونت‌آمیز خود را نشان می‌دهد؛ چیزی که از آن با عنوان «خشونت سیاسی» یاد می‌کند. رابرت گر سه شکل خشونت را مطرح می‌کند: اول، به شکل اعتصاب، شورش، و اغتشاش بوده که نسبتاً خودجوش و بدون سازماندهی است. دوم، به شکل ترورهای سیاسی، جنگ‌های چریکی و کودتاست که برخلاف شکل اول، به صورت کاملاً سازمان‌یافته است. در حالت سوم، بسیار گسترده است، به صورت جنگ داخلی و ترورهای وسیع بوده که حتی امکان دارد به انقلاب منجر شود (گر، ۱۳۷۷: ص ۲۷). هرچه خشونت شدیدتر و وسیع‌تر باشد، نشان‌دهنده بی‌ثباتی و ناکارآمدی نظام سیاسی و نارضایتی عمومی مردم است. براساس این نظریه، محرومیت نسبی و نارضایتی مردم، موجب خشونت سیاسی و بی‌ثباتی می‌شود. شدت محرومیت و نارضایتی بر شدت خشونت و بی‌ثباتی مؤثر است و کسب رضایتمندی عمومی، موجب کاهش خشونت سیاسی و بی‌ثباتی می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت از نظر گر، عوامل و شاخصه‌هایی که موجب خشونت و

1. Value Expectations

2. Value Capabilities

بی‌ثباتی سیاسی در جامعه و نظام سیاسی می‌شود، وجود محرومیت‌های نسبی و نارضایتی عمومی است.



نمودار ۱- مراحل نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر

#### ۴. شاخص‌های کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران

نظام جمهوری اسلامی از زمان استقرار تاکنون با مشکلات، چالش‌ها و بی‌ثباتی‌های زیادی مواجه بوده است؛ به‌ویژه در سال‌های اخیر این چالش‌ها و بی‌ثباتی‌ها بیشتر شده، که نشان‌دهنده نارضایتی مردم است. براساس نظریه رابرت گر، هرچه کارآمدی نظام بیشتر باشد و خواسته‌ها و نیازهای مردم که خود را مستحق آن می‌دانند تأمین شود، رضایتمندی بیشتر می‌شود. رابرت گر، عوامل و شاخصه‌هایی که موجب احساس محرومیت نسبی می‌شوند را یا کوتاه مدت، همچون مشکلات معیشتی، بیکاری، تورم، نرخ منفی رشد، تولید ناخالص ملی و فساد مالی و غیره می‌داند، یا محرومیت‌های بلندمدت، همچون شکاف‌های قومی و مذهبی، سیاست‌های تبعیض‌آمیز اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آموزشی، فرهنگی؛ که هر دو دسته در صورت امتداد، موجب نارضایتی عمومی می‌شوند. بررسی این عوامل و شاخصه‌ها در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، نیازمند واکاوی این شاخص‌ها در نظرات و بیانات امام خمینی، مقام معظم رهبری و قانون اساسی به عنوان میثاق ملی و تعیین‌کننده سیاست‌ها و برنامه‌های نظام است؛ بنابراین، در ادامه این شاخصه‌ها مورد تبیین قرار می‌گیرند.

عوامل و شاخصه‌های زیادی وجود دارد که نشان‌دهنده کارآمدی نظام سیاسی و ایجادکننده ثبات سیاسی نظام است؛ در اینجا به طور مختصر مهم‌ترین این شاخص‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

**عدالت:** یکی از شاخصه‌های مهم ثبات سیاسی در هر نظام، «عدالت» است. عدالت به مفهوم پایه‌های احقاق حق را بر مساوات بنا نهادن و احترام به حقوق حقه افراد، تعبیر می‌شود؛ و عدالت اجتماعی یعنی قرار گرفتن هر کس در جای سزاوار و شایسته خود و رفتار با هر یک از افراد جامعه، آنگونه که مستحق آن است (آقابخشی، ۱۳۷۹: ص ۳۰۸). اجرای عدالت موجب ایجاد صلح و آرامش در جامعه می‌گردد و ثبات سیاسی را در پی خواهد داشت. در اندیشه سیاسی اسلام به‌ویژه شیعه، عدالت و برابری از جایگاه مهمی برخوردار است و نقش مهمی در زندگی سیاسی - اجتماعی مسلمانان دارد. امام خمینی در این زمینه بیان می‌دارد: در

جمهوری اسلامی ستم و زورگویی نیست؛ عدالت سایه می‌افکند و مستمندان به حقوق خود خواهند رسید (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۶، ص ۸۱). یکی از راه‌های تحقق عدالت از دیدگاه امام خمینی، مبارزه با ظلم و ستم است؛ حتی ایشان به مردم تأکید می‌کند که همه مردم باید تلاش کنند زیر بار ظلم نروند؛ حتی ایشان فتوا می‌دهند که «زیر بار ظلم رفتن حرام است» (همان: ج ۱۱، ص ۲۶۴). مقام معظم رهبری نیز برقراری عدالت را اولین و مهم‌ترین قدم در رفع محرومیت جامعه می‌دانند و معتقدند: جمهوری اسلامی بدون عدالت هیچ حرفی برای گفتن ندارد و هدف از تشکیل حکومت برقراری عدالت است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۸/۱۰).

از نظر رابرت گر، آنچه موجب ایجاد احساس محرومیت نسبی می‌شود، ناشی از ادراک نابرابری و ارزیابی نابرابری است؛ یعنی زمانی که مردم نابرابری را ببینند، یا لمس کنند. درحقیقت آنان با مقایسه خود با دیگران، متوجه نابرابری و تفاوت می‌شوند و آن زمان است که احساس محرومیت نسبی می‌کنند و ناراضی می‌شوند. بنابراین، ضروری است برای تحقق عدالت در جامعه، اقدامات عملی صورت گیرد؛ به دیگر سخن، مردم باید به طور محسوس عدالت را لمس کرده و تغییر یا بهبود شرایط را ادراک و ارزیابی نمایند. آنجاست که موجب رفع محرومیت و ایجاد رضایت‌مندی در جامعه می‌شود و ایجاد رضایت‌مندی، ثبات سیاسی را به همراه خواهد داشت.

**مشارکت مردم:** یکی از شاخصه‌های ثبات سیاسی و رضایت‌مندی مردم در هر نظام سیاسی، مشارکت مردم است؛ و مشارکت نشان‌دهنده مشروعیت و مقبولیت اقدامات نظام سیاسی و سیاستمداران است. امام خمینی بیان می‌دارد: جمهوری اسلامی از سیره رسول خدا(ص) و امام علی(ع) الهام گرفته و متکی به رأی مردم است. شکل حکومت نیز با مراجعه به رأی مردم تعیین می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۴، ص ۳۳۴). از بیانات امام خمینی چنین استنباط می‌شود که تنها با حضور و مشارکت فعال مردم است که کارآمدی، ثبات و تداوم نظام جمهوری اسلامی امکان‌پذیر می‌گردد (همان: ج ۵، ص ۴۴۹). ایشان حضور مردم را ضامن دوام نظام دانسته و معتقدند که: «اگر مردم پشتیبان شما باشند، پشتیبان حکومت باشند، آن حکومت سقوط نخواهد کرد» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۷، ص ۲۵۳).

مقام معظم رهبری در رابطه با مشارکت سیاسی مردم و نقش آنان در امور کشور و حکومت بیان می‌دارد که وقتی کارها به دست مردم سپرده شود، بهتر به نتیجه می‌رسد: «از اول انقلاب هر زمانی، کارها را به مردم محول کردیم، کارها خوب پیش رفت و هر کاری را صرفاً در اختیار مسئولان قرار دادیم، کار متوقف و یا کند پیش رفت» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹). در قانون اساسی جمهوری اسلامی، از باب اتکاء به آراء

عمومی برای اداره کشور و مشارکت و حضور مردم در تعیین سرنوشت خود، چنین آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد» (جهانگیر، ۱۳۹۶: اصل ۶). در بند هشتم اصل ۳ قانون اساسی بر مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأکید شده است. بر این اساس، زمانی که مردم ادراک کنند که در تصمیم‌گیری‌ها و اداره کشور نقش دارند، مسئولین را خودی می‌دانند؛ پس، اگر اشتباهی در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات سیاستمداران رخ داد، سعه صدر بیشتر از خود نشان می‌دهند و آستانه تحمل مردم بالاتر می‌رود. در نتیجه، ناآرامی‌های اجتماعی کم‌تری در جامعه وجود خواهد داشت و ثبات سیاسی نظام حفظ خواهد شد.

با پیشرفت علم و تکنولوژی و عصر ارتباطات و اطلاعات، تقاضا برای مشارکت در فرایند قدرت و انتخاب مسئولان و دخالت در امر تصمیم‌گیری در نظام سیاسی افزایش یافته است. از این رو ضروری است، نظام سیاسی زمینه و سازوکارهای لازم برای این تقاضا را فراهم کند. پیش شرط و لازمه مشارکت سیاسی، وجود آزادی و امنیت، به ویژه امنیت سیاسی است. از نظر رابرت گر، اگر حکومت تقاضا و خواسته‌های شهروندان را تأمین نکند، موجب نارضایتی عمومی می‌شود و این نارضایتی به شکل کنش‌های جمعی خشونت‌بار رخ می‌نماید و موجب بی‌ثباتی سیاسی خواهد شد.

**وجود امنیت:** «امنیت» در فرهنگ علوم سیاسی، مصون بودن از تعرض و تصرف دیگران و در امان ماندن از مخاطره و تعدی به حقوق و آزادی‌های مشروع، معنی شده است. به عبارت دیگر، اطمینان از اینکه جان، مال و ناموس افراد در سلامت هستند (آقابخشی، ۱۳۷۹: ص ۵۲۷). یکی از مهم‌ترین نیازهای هر فرد، خانواده، جامعه و هر کشوری، امنیت است. تهدیدهای امنیتی در هر کشوری تحت تأثیر شرایط مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره متفاوت است. تأمین امنیت در ابعاد مختلف یکی از وظایف و کارکردهای اساسی یک نظام سیاسی محسوب می‌شود. اسلام تأمین امنیت در ابعاد مختلف را وظیفه حکومت می‌داند و مخالف هرگونه هرج و مرج و اخلال در نظم جامعه است؛ به طور مثال خداوند در آیه ۳۵ سوره ابراهیم می‌فرماید: «رب اجعل هذا البلد آمناً»؛ یعنی حضرت ابراهیم از خدا خواست که شهر مکه را شهر امن قرار دهد. این آیه نشان می‌دهد که اولین شرط سکونت و زندگی، وجود امنیت است (کنعانی، ۱۳۹۸: ص ۱۶). در دین اسلام نیز همواره بر ایجاد نظم و امنیت به عنوان یکی از کارویژه‌های اصلی نظام سیاسی تأکید شده است.

در بحث امنیت، نگاه امام خمینی، نگاهی کلان و عمیق است. ایشان در بُعد داخلی به عناصری چون التزام به قانون، صیانت از اسلامیت نظام، ولایت فقیه، آزادی انتخاب، پایگاه مردمی نظام، مشارکت مردم، تأمین نیازهای اقتصادی مردم و ایجاد رفاه، وجود تشکلهای سیاسی و در بُعد خارجی، به رعایت اصل استقلال و احترام متقابل، عدم دخالت در امور سایر کشورها، نفی ظلم و ظلم‌پذیری تأکید داشته‌اند. بر این اساس، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و در امان بودن از تهدیدهای احتمالی، ایجاد و حفظ ثبات سیاسی نظام، حفظ ارزش‌های ملی و اعتقادی و غیره را می‌توان حداقل نتایج امنیت برشمرد (روشندل، ۱۳۷۲: ص ۸). در قانون اساسی بر تأمین حقوق افراد و ایجاد امنیت قضایی تأکید شده است: «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» (جهانگیر، ۱۳۹۶: اصل ۳/۱۴). همچنین قانون اساسی به صراحت بیان می‌دارد، که «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است؛ مگر در مواردی که قانون تجویز کند» (همان: اصل ۲۲).

یکی از موارد مهمی که موجب ناامنی و بی‌ثباتی در جامعه می‌شود، احساس محرومیت نسبی و استمرار آن در جامعه است. نیاز به امنیت در نظام سیاسی در تمام ابعاد مورد توجه است. مردم باید امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی، امنیت ملی، امنیت مالی و اقتصادی داشته باشند؛ زیرا مردم در هر بُعدی دچار آسیب شوند، احساس محرومیت نسبی می‌کنند؛ در نتیجه ناراضی می‌شوند. در صورت عدم حل مسئله براساس نظریه رابرت گر، ناراضی‌تی موجب بروز رفتارها و کنش‌های خشونت‌آمیز می‌شود و ناآرامی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی را در پی خواهد داشت.

**وجود آزادی:** «آزادی» به داشتن حق انجام هر فعلی تا جایی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد، معنی شده است. به عبارت دیگر، به مصون ماندن از اراده مستبدانه دیگران، آزادی گفته می‌شود (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ص ۲۲۳). امام خمینی آزادی را محدود به رعایت عفت عمومی، مصالح کشور و ملت، عدم مخالفت با شرع و قانون می‌داند. پس آزادی مورد تأکید ایشان، آزادی مثبت و مبتنی بر مقتضیات عقل است. امام خمینی در این خصوص می‌فرماید: «آزادی به شکل غربی مورد تأیید نیست، و از هرگونه تبلیغ، سخنرانی و غیره برخلاف اسلام و مصالح کشور، باید جلوگیری شود» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲۱، ص ۴۳۵). مقام معظم رهبری همچون امام خمینی در کنار عدالت، معنویت و اخلاق، بر آزادی نیز به عنوان یکی از اصول انقلاب و نظام جمهوری اسلامی تأکید داشته‌اند و بیان می‌دارند که: «انقلاب اسلامی ترکیبی از عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی، مردم‌سالاری، معنویت و اخلاق است. اما این عدالت نباید با عدالت مورد نظر کمونیست‌های شوروی و آزادی غربی اشتباه گرفته شود. آزادی اسلامی مورد نظر ما، آزادی اجتماعی و آزادی

معنوی است) (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۰۳/۱۴).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، بر انواع آزادی‌ها چون آزادی رفت و آمد، مسافرت، مسکن، حق انتخاب شغل، ممنوعیت تفتیش عقاید، توهین و شکنجه و غیره تأکید شده است. همچنین تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها آزاد دانسته شده است: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است» (همان: اصل ۲۷). همچنین بند هفتم از اصل ۳ قانون اساسی بر تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون و بند نهم به رفع تبعیض و ایجاد امکانات عادلانه برای همه مردم تأکید می‌کند. اصل ۲۴ قانون اساسی نیز بر آزادی نشریات و مطبوعات اشاره دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه محلّ به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند» (همان: اصل ۲۴). منظور از محلّ مبانی اسلام در اصل فوق، توهین به مقدسات و تبلیغ ابتذال و غیره می‌باشد و بدیهی است که در حکومت اسلامی، انجام اینگونه موارد مجاز نباشد.

با وجود تأکید رهبران جمهوری اسلامی و قانون اساسی بر آزادی، آنچه برای مردم اهمیت دارد، عرصه عمل و عملکرد است. عدم وجود آزادی سیاسی، اجتماعی، قلم، بیان، عقیده و غیره، براساس نظریه رابرت گر، موجب احساس محرومیت نسبی در مردم می‌گردد و نارضایتی به دنبال دارد. در نظام جمهوری اسلامی ضروری است در راستای اجرای منویات رهبران نظام و قانون اساسی، زمینه‌های تحقق آزادی‌های مورد انتظار مردم فراهم شود؛ زیرا موجب کاهش محرومیت نسبی و افزایش رضایت‌مندی عمومی و به تبع، ثبات نظام سیاسی خواهد شد.

**ایجاد رفاه اجتماعی:** «رفاه اجتماعی»، «مجموعه سازمان‌یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود، تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد» (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ص ۱۶). امام خمینی بر نبود فاصله طبقاتی و نحوه جمع‌آوری مال توجه داشته‌اند: «مسئولین با وجود تحریم‌ها و کمبودها، تلاش خود را در جهت فقرزدایی جامعه کرده‌اند و همه آرزوی ماست که روزی فقر در جامعه نباشد و مردم در رفاه باشند» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲۰، ص ۱۲۹). از نظر ایشان، تأمین مسکن از وظایف دولت است و باید زمینه و بستر را برای مسکن‌دار شدن مردم فراهم نمود. امام خمینی در این زمینه بیان می‌دارد: «داشتن مسکن از حداقل حقوق مردم است. باید مشکل زمین و مسکن حل شود و مردم از این موهبت الهی برخوردار گردند. همه مردم به‌ویژه محرومان باید مسکن داشته باشند» (همان: ج ۵، ص ۲۷۴). وقتی مشکل مسکن مردم حل شود، مردم در تأمین سایر مایحتاج زندگی کم‌تر دچار مضیقه می‌شوند؛ نداشتن

مسکن و دادن اجاره‌بهاء یکی از دغدغه‌های مردم است. حل نشدن این مسئله و فراهم نکردن زمینه برای مسکن‌دار شدن مردم، می‌تواند در بلندمدت موجب نارضایتی و بی‌ثباتی سیاسی شود.

مقام معظم رهبری در مورد شاخصه‌های پیشرفت در مجامع بین‌المللی به شاخصه مبارزه با فساد و مسئله نرخ بیکاری بیان می‌دارد که: «ما با فساد مخالف هستیم؛ فساد مالی، اداری و خیانت در امانت را جز بدترین نوع فسادها است و باید در کشور ریشه کن شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۸/۲). وجود فساد اداری و مالی نشان‌دهنده کارآمدی ضعیف است و زمینه را برای بی‌ثباتی سیاسی در کشور فراهم می‌کند. لذا همان‌طور که امام خمینی و مقام معظم رهبری تأکید دارند، باید با فساد اداری و مالی به صورت ریشه‌ای و اساسی برخورد کرد، تا موجبات دلگرمی و امیدواری مردم فراهم گردد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر رعایت عدالت و ایجاد رفاه اجتماعی مردم و حقوق حقه مردم تأکید شده است. بنابراین، کارگزاران جمهوری اسلامی باید در راستای اجرای قانون اساسی عمل کنند. در قانون اساسی «نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل» (جهانگیر، ۱۳۹۶: اصل ۳) آمده، اما آنچه مسلم است اینکه، قسط و عدل در قانون اساسی محصور در قلمرو اقتصاد نیست؛ بلکه در تمام ابعاد مورد تأکید است. در اصل ۲۹ قانون اساسی آمده، دولت موظف است حق برخورداری از تأمین اجتماعی، بیکاری، خدمات بهداشتی، درمانی و بیمه و غیره را برای تمام افراد کشور فراهم کند. اصل ۳۱ قانون اساسی نیز، مسکن داشتن را، حق هر فرد و هر خانواده ایرانی دانسته، در نتیجه، دولت را موظف کرده است تا زمینه‌های اجرای این اصل را فراهم نماید. افزون بر آن، در اصل ۴۳ و دیگر اصول قانون اساسی، بر ریشه کردن فقر و محرومیت و برآورده کردن نیازهای اساسی انسان تأکید شده است.

همان‌طور که مشخص است، در بیانات رهبران نظام و قانون اساسی، بر شاخصه عدالت، ایجاد رفاه و رفع فقر و محرومیت به عنوان یکی از شاخصه‌های جهانی کارآمدی نظام سیاسی تأکید شده است و همواره کارگزاران و مسئولین، به رعایت آنان توصیه شده‌اند. عمل به این توصیه‌ها و اصول قانون اساسی موجب رفع محرومیت نسبی، حفظ و تداوم نظام سیاسی به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف و کارویژه‌های نظام، خواهد شد. اما اینکه در عمل چگونه است و مردم چه نظری دارند، نیازمند پیمایش یا ارزیابی پیمایش‌های انجام شده است، تا درک درست از واقعیت موجود صورت گیرد.

## ۵. ارزیابی عملکرد حکومت در نظام جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دهه ۹۰

یکی از شروط موفقیت حکومت، کسب رضایت عمومی و ایفای حقوق مردم است. از نظر شهید

مطهری، «یکی از چیزهایی که رضایت عمومی بدان بستگی دارد، این است که حکومت، با چه دیده‌ای به توده مردم و به خودش می‌نگرد؟ اعتراف حکومت به حقوق واقعی مردم و احتراز از هر نوع عملی که مشعر بر نفی حق حاکمیت آنها باشد، از شرایط اولیه جلب رضا و اطمینان آنان است» (مطهری، ۱۳۶۶: ص ۱۱۹). در پیمایش کشوری که طی سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ و در ۲۸ استان صورت گرفته است، مردم در پاسخ به این گویه که «به نظر شما، حکومت در تحقق هر کدام از مواردی که نام می‌برم تا چه اندازه موفق بوده است؟» اینگونه پاسخ داده‌اند:

جدول ۲- میزان موفقیت حکومت (پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۵)

موارد	پیمایش سال ۱۳۹۴		پیمایش سال ۱۳۹۶	
	کم	زیاد	کم	زیاد
۱ ایجاد امنیت در جامعه	۱۳/۰	۵۳/۶	۱۷/۳	۵۲/۹
۲ اجرای قانون	۲۶/۴	۲۸/۱	۳۹/۹	۲۹/۸
۳ حمایت از آزادی بیان	۳۴/۱	۲۲/۷	۴۱/۲	۲۲/۳
۴ سلامت اقتصادی و اداری	۴۷/۹	۱۵/۱	۵۷/۲	۱۵/۷
۵ کاهش فقر و نابرابری	۵۶/۸	۱۲/۶	۶۴/۷	۱۳/۷
۶ حفاظت از محیط زیست	۳۴/۹	۲۳/۴	۳۸/۵	۲۵/۱

همان‌طور که در جدول شماره (۲) مشخص است، در سال ۱۳۹۴ از نظر مردم، کم‌ترین میزان موفقیت حکومت مربوط به کاهش فقر و نابرابری با ۱۲/۶ درصد است و بعد از آن، به ترتیب سلامت اقتصادی و اداری با ۱۵/۱ درصد، حمایت از آزادی بیان با ۲۲/۷ درصد، حفاظت از محیط زیست با ۲۳/۴ درصد، اجرای قانون با ۱۸/۱ درصد، رتبه‌های بعدی را در عملکرد ضعیف دارند. بیشترین میزان موفقیت از نظر مردم هم با ۵۳/۶ درصد مربوط به ایجاد امنیت است. در عین حال در سال ۱۳۹۶ از نظر مردم، وضعیت چندان تفاوت نکرده، و شاید در حدود یک درصد هر مورد کم‌تر یا بیشتر شده است. باز هم کم‌ترین میزان موفقیت حکومت مربوط به کاهش فقر و نابرابری با ۱۳/۷ درصد است، و بعد به ترتیب، سلامت اقتصادی و اداری با ۱۵/۷ درصد، حمایت از آزادی بیان با ۲۲/۳ درصد، حفاظت از محیط زیست با ۲۳/۴ درصد، اجرای قانون با ۲۸/۱ درصد و بیشترین میزان موفقیت با ۵۲/۹ درصد مثل سال ۱۳۹۶ مربوط به ایجاد امنیت است. این نظرسنجی نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ مردم از شرایط اقتصادی و اداری کشور راضی نیستند. مسئله اقتصاد با شاخص‌های فقر و نابرابری و عدم سلامت اقتصادی و اداری بیشترین میزان

نارضایتی را نشان می‌دهد و این یعنی از نظر مردم، حکومت، مخصوصاً در این دو زمینه موفق عمل نکرده و ضعف دارد.

ثبات سیاسی یکی مهم‌ترین و اولین اهداف نظام‌های سیاسی است. نظام سیاسی زمانی می‌تواند ثبات داشته باشد که با اعتراضات و شورش‌های گسترده و خشونت‌بار مواجه نباشد. وجود کنش‌های جمعی خشونت‌آمیز نشانه ناکارآمدی نظام سیاسی است. به عبارت دیگر، مؤلفه اصلی بی‌ثباتی سیاسی، وجود خشونت سیاسی است. خشونت‌های سیاسی از نظر شدت و گستره و همچنین میزان آنها ممکن است در هر کشوری متفاوت باشند. رابرت گر خشونت سیاسی را به همه حملات جمعی که در درون یک اجتماع علیه نظام سیاسی، مقامات و سیاست‌های آنها صورت می‌گیرد، تعریف می‌کند. یکی از مباحث مهم در مسئله خشونت سیاسی، بحث احساس امنیت سیاسی است. این احساس ناظر بر حوزه امنیت بوده و با تعاملات بین افراد، نخبگان سیاسی و گروه‌ها با نظام سیاسی ایجاد می‌شود. نحوه برخورد نظام سیاسی با منتقدان و مخالفان اهمیت زیادی در کاهش نارضایتی و جلب رضایتمندی عمومی دارد.

مردم در پژوهشی که در سال ۱۳۹۲ صورت گرفت، در پاسخ به سؤال «به نظر شما عوامل مؤثر بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور چیست؟» اینگونه پاسخ داده‌اند:

جدول ۳- احساس امنیت سیاسی (موحدی و عرف، ۱۳۹۲: ص ۷۰)

درصد	عوامل
۲۵/۹	۱ حاکمیت قانون
۲۴	۲ اعتماد متقابل بین نخبگان سیاسی و دولت
۱۱/۱	۳ تهدید نخبگان سیاسی
۷/۴	۴ وجود ارزش‌های مشترک
۷/۴	۵ نهادمندی سیاسی
۵/۵	۶ تحمل و مدارا

همان‌طور که در جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود، ۲۵/۹ درصد مصاحبه‌شوندگان معتقدند، رفتار متقابل قانونمند و قابل پیش‌بینی بین دولت و نخبگان سیاسی یا همان حاکمیت قانون، به وجود آورنده احساس امنیت سیاسی در بین نخبگان و فعالان سیاسی است. به عبارت دیگر، از دیدگاه نخبگان و فعالان سیاسی، نبود قانون رسیدگی به جرم سیاسی، ضعف و نارسایی در قانون احزاب و انتخابات از مصادیق ناامنی سیاسی محسوب می‌شود. فاکتور دیگری که در این پژوهش بررسی شده، اعتماد متقابل بین دولت و نخبگان سیاسی

است که ۲۴ درصد مصاحبه‌شوندگان معتقدند، تأثیر زیادی در ایجاد احساس امنیت سیاسی فعالان سیاسی دارد. همچنین ۱۱/۱ درصد آنان وجود تهدید، تحقیر و زندانی شدن فعالان سیاسی را عامل مهم در ایجاد احساس ناامنی می‌دانند. وجود ارزش‌های مشترک و نهادمندی سیاسی هرکدام با ۷/۴ درصد و تحمل و مدارا با ۵/۵ درصد، از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان دیگر عوامل مهم، در ایجاد احساس امنیت سیاسی هستند. بنابراین، وجود قانون درست و منطقی که متناسب با نیازهای روز باشد و اجرای عادلانه قانون عادلانه، نقش مهمی در ایجاد احساس امنیت سیاسی دارد. افزایش احساس امنیت سیاسی بین مردم و گروه‌ها به ویژه نخبگان سیاسی، موجب افزایش فعالیت اجتماعی و سیاسی آنان در بیان خواسته‌ها و انتقاد از برنامه‌ها و سیاست‌های حکومت می‌گردد. آگاه شدن مسئولین از نظر و خواست مردم و پاسخ‌گویی و شفافیت و عملکرد بهتر کارگزاران در رسیدگی به مشکلات مردم و کاهش احساس محرومیت نسبی و افزایش رضایتمندی، ثمره وجود احساس امنیت سیاسی است.

**مهم‌ترین مشکل از دیدگاه مردم:** طی پیمایش ملی که در سال ۱۳۹۶ صورت گرفت، ۳۶/۱ درصد مردم، بزرگ‌ترین مشکل خود را مشکلات اقتصادی بیان کرده‌اند. ۳۶/۱ درصد عدد بالایی است، پس ضروری می‌نماید تا مسئولین این مسئله را حل کنند، در غیر این صورت نشان‌دهنده ضعف کارآمدی نظام است.

#### جدول ۴- مهم‌ترین مشکل از دید مردم

(پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۷)

مشکل	درصد
مشکلات اقتصادی	۳۶/۱
بیکاری	۳۴/۰
فقر و نبود امکانات رفاهی	۳/۱
مسکن	۰/۸
نبود شایسته‌سالاری و استفاده از نیروهای بومی	۰/۵
تبعیض و نابرابری	۳/۹
عملکرد دولتی - حکومتی	۸/۳
مشکلات شهری	۱/۱
روابط خارجی	۳/۴
اختلاف و چند دستگی	۰/۶
مسائل آموزشی و علمی	۰/۵
ازدواج	۱/۰

درصد	مشکل
۲/۱	۱۳ فرهنگی
۲/۰	۱۴ اعتیاد، موادمخدر، دخانیات
۱/۰	۱۵ مشکلات زیست محیطی
۲/۰	۱۶ ناامنی و وجود جرم و جنایت
۰/۴	۱۷ مسائل بهداشت و درمان
۰/۰	۱۸ مهاجرت
۱/۲	۱۹ سایر

همانطور که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۹۶، بعد از مشکلات اقتصادی، ۳۴/۰ درصد مردم، بیکاری را بزرگ‌ترین مشکل کشور معرفی کرده و تنها ۸/۳ درصد مردم، عملکرد دولت را بزرگ‌ترین مشکل کشور می‌دانند. ارزیابی این نظرسنجی نشان می‌دهد، مردم به دلیل مشکلات اقتصاد و بیکاری، از وضعیت موجود ناراضی هستند. اگر این نارضایتی‌ها با برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری درست حل نشود، براساس نظریه محرومیت نسبی رابرت گر، موجبات بروز کنش‌های جمعی خشونت‌آمیز فراهم خواهد شد و ثبات نظام سیاسی خدشه‌پذیر می‌گردد.

## ۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش براساس رویکرد تئوری محرومیت نسبی، به بررسی شاخصه‌های کارآمدی جمهوری اسلامی در عرصه ثبات سیاسی پرداخته است. به اعتقاد رابرت گر، احساس محرومیت نسبی ناشی از فاصله و شکافی است که مردم بین انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی خود احساس می‌کنند. این شکاف موجب نارضایتی می‌شود و این نارضایتی اگر رسیدگی نشود، به شکل کنش‌های جمعی خشونت‌آمیز بروز و ظهور خواهد یافت و نتیجه آن، بی‌ثباتی سیاسی خواهد بود. پس، از نظر او، احساس محرومیت نسبی مهم‌ترین عامل نارضایتی مردم است و تنها راه جلوگیری از اعتراضات مردم و برقراری ثبات سیاسی و کارآمدی نظام، افزایش رضایت‌مندی عمومی است. این احساس محرومیت می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی چون فقدان رفاه اجتماعی، عدم مشارکت سیاسی، عدم امنیت، آزادی و نظایر آن باشد.

برای بررسی و فهم شاخصه‌های کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه ثبات سیاسی، به بررسی دیدگاه‌ها و بیانات رهبران نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی پرداخته شد. در مکتب سیاسی امام خمینی و مقام معظم رهبری، خواست مردم تعیین‌کننده است. آنان همواره بر ایجاد عدالت، آزادی، امنیت، رفاه اجتماعی متناسب با شأن انسانی افراد جامعه، فراهم کردن زمینه مشارکت سیاسی مردم، عدم

تبعیض و پذیرش انتقاد به عنوان وظایف دولت تأکید کرده‌اند. در همین راستا، هدف امام خمینی صرفاً مبارزه با نظام شاهنشاهی و برقراری حکومت اسلامی نبود، بلکه ایشان معتقد بودند، تشکیل حکومت وسیله است و هدف از برپایی حکومت اسلامی، اجرای احکام اسلامی و حل مشکلات مردم است که به تبع، موجب رضایت‌مندی مردم خواهد شد. اما ارزیابی‌هایی که براساس پیمایش‌های ملی در سال‌ها ۱۳۹۲، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ صورت گرفت، نشان‌دهنده نارضایتی مردم از عملکرد نظام، به دلیل بی‌ثباتی‌های اواخر دهه نود، به ویژه در زمینه مشکلات اقتصادی می‌دهد و این نشان‌دهنده ضعف در کارآمدی نظام است، که به شکل ناآرامی‌ها و اعتراضات گسترده، علی‌الخصوص در اواخر دهه ۹۰، خود را نشان داده است.

ایجاد ثبات سیاسی پویا در جامعه، یک مسئله سیستماتیک است و عواملی مختلف در ایجاد و حفظ آن دخیل‌اند و فرایندی طولانی دارد. مسلماً نقش نظام سیاسی و دولت در این بین پررنگ است. از این‌رو، رهبران جمهوری اسلامی همواره بر این شاخصه‌ها تأکید داشته‌اند و در قانون اساسی نیز اصولی به آن اختصاص یافته است. در پایان باید توجه داشت که با اجرای صحیح قانون اساسی می‌توان از حقوق ملت دفاع کرد و رضایت‌مندی مردم و کارآمدی نظام را افزایش داد. این مهم زمانی اتفاق می‌افتد که الزامات آن فراهم شده باشد و همه کارگزاران و نهادها در این راستا حرکت کنند و بیانات رهبران نظام را چراغ راه قرار دهند و آن را اجرایی نمایند.

## منابع

- آقابخشی، علی (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- آقابخشی، علی؛ افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۸). *میانی علم سیاست*. تهران: انتشارات توس.
- استوکر، جری؛ مارش، دیوید (۱۳۷۸). *روش و نظریه در علوم سیاسی*. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جهانگیر، منصور (۱۳۹۶). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر دوران.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه نور*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۴-۸، ۱۷، ۲۰-۲۱.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۲). *امنیت ملی و نظام بین‌المللی*. تهران: سمت.
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۱). *میانی رفاه اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ساندرز، دیوید (۱۳۸۰). *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فایریند، ایو؛ فایریند، روزالیندا (۱۳۷۹). *خشونت و جامعه*. ترجمه اصغر افتخاری. تهران: نشر سفیر.
- فتحعلی، محمود (۱۳۸۳). *کارآمدی نظام اسلامی*. صبا، ۳ (۱۱-۱۲).
- کنعانی، طاهره (۱۳۹۸). *تبیین شاخصه‌های کارآمدی در حوزه امنیت ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری*. *انقلاب اسلامی*، ۹ (۳۳).
- گر، رابرت تد (۱۳۷۷). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*. ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۳). *حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی*. تهران: سروش.
- لیست، سیمور (۱۳۷۴). *مشروعیت و کارآمدی*. ترجمه رضا زیب. فرهنگ توسعه، ۳ (۱۸).
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). *سیری در نهج‌البلاغه*. انتشارات صدرا.
- موحدی، محمدابراهیم؛ عرف، جمال (۱۳۹۲). *عوامل اجتماعی موثر بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور*. *مطالعات راهبردی*، شماره ۵۹.
- یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۵). *دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۷). *یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.

Gurr, T.R. (1971). *Why Men Rebel*. Princeton University Press.

Hurwitz, L. (1973). Contemporary APPROACHES to Political Stability. *Comparative Politics*, 3(3).